

بررسی تطبیقی دیدگاه‌های فایده‌گرایان کلاسیک و ابن حزم اندلسی

محسن جاهد* / امیرحسین تقی‌پورجاوی**

چکیده

این پژوهش با رویکرد تحلیلی، درصدد بررسی و تطبیق دیدگاه‌های فایده‌باوران کلاسیک، جرمی بنتام و جان استوارت میل و ابن حزم اندلسی می‌باشد. فایده‌گرایان بیشترین خوشی و شادکامی را بنیاد اخلاق می‌دانند. فایده‌گرایان کلاسیک لذت‌گرا مدعی بودند که غایت اخلاق، بیشترین غلبه لذت بر الم است. از این‌رو، خوشی و شادکامی در اصطلاح آنها، همان لذت است و لذت را یگانه خیر ذاتی می‌دانند. ایشان بر این باورند که ایجاد لذت و ممانعت از الم، تصمیم‌های اخلاقی ما را تعیین می‌کند. ابن حزم اندلسی نیز دارای آرای فایده‌گرایانه بوده است. این پژوهش، به مقایسه تطبیقی فایده‌گرایان کلاسیک و ابن حزم اندلسی می‌پردازد.

کلید واژه‌ها: فایده‌گرایی، جرمی بنتام، جان استوارت میل، شادکامی، ابن حزم اندلسی، فایده‌گرایی الاهیاتی.

jahed.mohsen@znu.ac.ir

njf.taghipoor@gmail.com

* استادیار گروه فلسفه دانشگاه زنجان.

** کارشناس ارشد فلسفه و کلام اسلامی.

دریافت: ۱۳۸۹/۱۲/۱۷ پذیرش: ۱۳۹۰/۰۲/۳۰

مقدمه

«فایده‌گرایی»^۱ یا «سودگرایی»، نظریه‌ای هنجاری است که پیرامون این موضوع بحث می‌کند که کدام اعمال باید و نباید انجام شوند و کدام قوانین باید و نباید وضع شوند و چه تدابیری باید و نباید اتخاذ و اجرا شوند، تا فایده‌ای حاصل شود. به عبارت دیگر، فایده‌گرایی نظریه‌ای در فلسفه اخلاق است که اعمال، قوانین و تدابیر اجتماعی را برحسب فایده‌شان، یعنی براساس پیامدهایشان توجیه می‌کند.^۲

این نظریه به لحاظ همه‌گرایانه بودن، این موضع را اتخاذ می‌کند که مقصود نهایی از اخلاق عبارت است از: بیشترین خیر عمومی. عمل یا قاعده عمل، تنها در صورتی صواب است که حداقل به اندازه هر بدیل دیگری به غلبه خیر بر شر در کل جهان منجر شود. در غیر این صورت خطاست و در صورتی که به بیشترین غلبه ممکن خیر بر شر در جهان بیانجامد، الزامی است.^۳ از این رو، ملاک داوری درباره هر عملی افزایش یا کاهش شادکامی و خشنودی جامعه است. عملی درست است که در جهت افزایش شادکامی و خشنودی انسان‌هایی که متأثر از عمل مورد نظر هستند، حرکت کند و عملی نادرست است که در جهت شادکامی و ایجاد ناخشنودی و تلخ‌کامی آنها باشد. منظور از خوشبختی و شادکامی عبارت است از لذت. در واقع، فایده‌گرایان کلاسیک یعنی جرمی بنتام^۴ و جان استوارت میل^۵ لذت‌گرا هستند و معتقدند که لذت یگانه خیر ذاتی است. ایجاد لذت و ممانعت از الم، تصمیم‌های اخلاقی ما را تعیین می‌کند. بنابراین، براساس این دیدگاه، همیشه باید عملی را انجام داد که برای کسانی که در معرض تأثیرات آن قرار می‌گیرند، لذتشان را در برابر الم به حداکثر برساند. دیدگاه مورد نظر جرمی بنتام و جان استوارت میل به «فایده‌گرایی کلاسیک»^۶ مشهور است. هر چند فایده‌گرایان معمولاً لذت‌گرا بودند و غایت اخلاق را، بیشترین غلبه لذت بر الم می‌دانسته‌اند، اما برخی فایده‌گرایان مثل جی. ای. مور^۷ و هاستینگز راشدال^۸ لذت‌گرا نیستند. بنابراین، فایده‌گرایان «آرمانی»^۹ نامیده شده‌اند. آنها از این رأی دفاع می‌کردند که چیزهای دیگری همچون حقیقت، زیبایی و عشق وجود دارد که به همان اندازه که لذت یا خوشی خیر فی‌نفسه‌اند، این امور خیر فی‌نفسه‌اند. اما آنها با فایده‌گرایان لذت‌گرا در این نکته هم عقیده‌اند که افعال منحصرأ از رهگذر نتایج‌شان و فایده‌بخشی‌شان در پدید آوردن امور مطلوب، باید داوری شوند.^۹

از لحاظ تاریخی، اولین اندیشمند مشهور، که بتوان او را به عنوان فایده‌گرا معرفی کرد، اندیشمند چینی موتزو^{۱۰} قرن پنجم قبل از میلاد است. هر چند درباره زندگی این دانشمند، اطلاعات اندکی در دسترس است، اما آموزه‌های وی از نظر اخلاقی از جمله متعالی‌ترین آموزه‌های تمامی مکاتب چینی باستان بود. وی تمام دوستی‌های نوع بشری و همه ارزش-گذاری‌های اعمال را براساس سودمندی آنها می‌دانست.^{۱۱}

اما با وجود این اندیشه‌های فایده‌گرایی در خلال عصر روشنگری، به عنوان یک مکتب فکری بزرگ مطرح شد. فایده‌گرایی به دلیل ریشه داشتن در مطالعات علمی و طبیعت انسانی و نیز تمایل داشتن به نظریه‌های تجربی، در باب احساس، به خصوص برداشت‌های الاهیاتی و سکولار از این نظریه، بسیار جذاب می‌نماید.^{۱۲}

در جهان اسلام نیز علی بن احمد بن حزم اندلسی (۴۵۶-۳۸۴ق)، از فیلسوفان و بزرگان مغرب اسلامی در اخلاق دارای اندیشه‌های بدیعی است که پاره‌ای از آنها، حاصل تجربیات زندگی پرفراز و نشیب اوست، و بخشی دیگر محصول تأمل و اندیشه‌ورزی وی می‌باشد. وی به نوعی نگاه فایده‌گروانه در اخلاق قائل است، و بارها در کتاب *الاخلاق و السیر* از عبارت‌های «الفائده فیه» و «لا منفعه فیه» و عبارت‌هایی که بیانگر این معانی هستند، استفاده کرده است. ابن حزم در اخلاق برای منفعت - دنیوی و آخروی - نقشی مهم قایل است. اما روشن است که از نظر وی منفعت تنها بازیگر میدان اخلاق نیست. از نظر وی، فلسفه وسیله‌ای برای کسب فضایل و انتخاب رفتار درست در این جهان است تا انسان از این رهگذر به سلامت به روز رستاخیز برسد.^{۱۳}

این نوشتار درصدد است که نقاط اشتراک و افتراق فایده‌باوری کلاسیک و اندیشه‌های ابن حزم اندلسی را طرح و بررسی کند.

۱. دیدگاه‌های فایده‌گرایان کلاسیک

فایده‌گرایی الاهیاتی و غیردینی

فایده‌گرایی عمدتاً صبغه و سابقه‌ای غیردینی و سکولار داشته است. گرچه ارتباطی ضروری میان فایده‌گرایی و الحاد نتوان یافت، اما حداقل می‌توان گفت که تقریرهای غیر الاهیاتی از فایده‌گرایی غلبه دارد. با این حال، پیش از بن‌تام فیلسوفانی چون جان‌گی^{۱۴} و به دنبال آن ویلیام پیلی^{۱۵} و آبراهام تاکر^{۱۶} در پی آن بودند که نظریه‌ای اخلاقی مبتنی بر اصل فایده و سازگار با آموزه‌های وحیانی، به ویژه آموزه‌های مسیحی، ارائه نمایند. این دیدگاه

به «فایده‌گرایی الاهیاتی»^{۱۷} مشهور است. جان‌گی، نخستین معیار فضیلت را در اراده خداوند می‌دید و معتقد بود از آنجا که خداوند خوش‌بختی انسان‌ها را اراده می‌کند، خوش‌بختی معیار اراده خداست.^{۱۸}

آبراهام تاکر، در مقدمه کتاب خویش، با عنوان *طلب نور طبیعت*^{۱۹} بیان می‌کند که طبیعت آدمی را باز جسته و پی برده است که خوشی و خرسندی شخصی هر کسی، سرچشمه همه افعال اوست. وی در پی آن است که قاعده نیک‌خواهی عمومی، که معطوف به همه انسان‌هاست، تثبیت کند. از نگاه وی، قاعده بنیادین عمل، عبارت از تلاش در راه خیر یا سعادت همگانی است.^{۲۰}

وی معتقد بود که انسان‌ها به مرور زمان بر اثر تکرار، از خودخواهی طبیعی به دیگرخواهی می‌گرایند، به‌گونه‌ای که دیگرخواهی هدف اعمالشان می‌گردد. تاکر ایشار و از خود گذشتگی را به دلیل نفع عمومی با مفاهیم الاهیاتی خدا و آخرت توجیه می‌کند.^{۲۱}

روند کلی تفکر فایده‌گرایانه غیردینی^{۲۲} را می‌توان از زمان جرمی بنتام دانست. جرمی بنتام (۱۷۴۸-۱۸۳۲) و جیمز میل^{۲۳} (۱۷۷۳-۱۷۳۶) و نیز جان استوارت میل (۱۸۰۶-۱۸۷۲)، نهضتی سیاسی را که به ایجاد اصلاحات قانونی کمک می‌کرد، به راه انداختند که از طریق نقد نهادهای اجتماعی، بر اساس فایده آنها در تولید «بیشترین سعادت برای بیشترین تعداد» شکل گرفت. اما قبل از بنتام، اکثر فایده‌گرایان چون هلوسیوس^{۲۴}، هاجسن^{۲۵}، دیوید هیوم^{۲۶} و گادوین^{۲۷}، سکولار و بی‌اعتنا به ارزش‌های دینی بوده‌اند و نظریه فایده‌گرایی آنها به عنوان رقیب نظام‌های اخلاقی دینی و عمدتاً در تقابل با اخلاق و دین مسیحی مطرح می‌گردد، و به نوعی نمایندگان فایده‌گرایی غیردینی قلمداد می‌شوند. آنها کسانی بودند که در پیدایش فلسفه کلاسیک و نیز نظریاتی، که مبنای فایده‌گرایانه دارند، نقش بسزایی داشته‌اند.

اصل فایده از دیدگاه بنتام

نخستین بیان بنتام از اصل فایده، در پاراگراف ۵۴، پیش‌گفتار کتاب *چکیده‌ای درباره حکومت*^{۲۸} آمده است. وی در این کتاب، اظهار می‌کند: «تنها ویژگی قابل محاسبه و قابل توجه در اعمال، شادکامی است که همان غایت مشترک تمامی آنها می‌باشد. این شادکامی همان چیزی است که فایده‌اش می‌نامیم».^{۲۹} از نظر وی، فقط لذت و یا شادکامی است که

ذاتاً خوب است و الم، یعنی درد (یا تلخ‌کامی)، ذاتاً بد است. بنابراین، تمایل به افزودن لذت یا شادکامی و پرهیز از درد یا تلخ‌کامی است که تعیین می‌کند ما چگونه عمل کنیم و نیز در تعیین این امر، که چگونه باید عمل کنیم، نقش دارد. اساس و بنیان «اصل فایده» بتنام، که بعدها «اصل بیشترین شادکامی» نامیده شد، همین امر است. وی در کتاب *مقدمه‌ای بر اصول اخلاق و قانون‌گذاری*، اصل فایده را چنین تعریف کرده است: «مراد از اصل فایده، همان اصلی است که تمامی افعال را بر اساس تمایلی که آن فعل در افزایش یا کاهش شادکامی گروه مورد نظر از خود نشان می‌دهد، تایید یا رد می‌کند».^{۳۰}

نکته قابل بیان در عبارت فوق، که نیازمند توضیح است، واژه «تمایل»^{۳۱} است. اورمسن^{۳۲} از مدافعان فایده باوری، در توضیح این واژه آورده است که آدمی زمانی می‌تواند از تمایل افعال به افزایش یا کاهش شادکامی سخن بگوید که به نوع افعال نظر داشته باشد، نه به فعلی خاص. به عنوان مثال، ممکن است نوشیدن فنجان چای در هوشیاری و رفع خستگی آدمی موثر باشد. اما نوشیدن این فنجان چای خاص در این زمان خاص، برای من چنین خاصیتی نداشته باشد. وی از این رهگذر معتقد است که بتنام فایده‌گرایی قاعده محور بوده است. پاره‌ای از پژوهشگران این حوزه، همچون راجر کریسپ،^{۳۳} هر چند می‌پذیرند بتنام فایده‌گرایی قاعده محور بوده است، اما با استنباط اورمسن مخالفند. به هر حال، داوری در این خصوص از مجال این نوشتار خارج است. اما می‌توان گفت مراد از تمایل، که در عبارت بتنام آمده، این است که اگر فعلی علی‌القاعده به افزایش شادکامی و لذت بیانجامد، اخلاقاً درست و اگر علی‌القاعده به کاهش شادکامی و لذت بیانجامد، نادرست است.^{۳۴}

معنای فایده در دیدگاه بتنام

نکته‌ای که اکنون ضرورت بررسی دارد، آن است که بتنام با طرح واژه «فایده» چه چیزی را در نظر می‌گیرد. به عبارت دیگر، واژه «فایده» در بیان وی به چه معناست؟ بتنام پرخواننده‌ترین اثر خود «مقدمه‌ای بر اصول اخلاق و قانون‌گذاری»، را با این عبارت آغاز می‌کند: «طبیعت بشر را تحت سلطه دو حاکم مطلق، یعنی الم و لذت قرار داده است. آنها آنچه را ما بایستی انجام دهیم و نیز آنچه را تصمیم می‌گیریم انجام دهیم، تعیین می‌کند. از یکسو، معیار درست و نادرست و از سوی دیگر، سلسله علی و معلولی به سلطنت‌شان

وابسته است»^{۳۵} جای شگفتی نیست که نسل‌های بسیاری، از این سخن، نتیجه گرفته‌اند که بتنام قائل است که مفهوم لذت و الم برای فلسفه اخلاق، اساسی و بنیادی و نیز معیار درستی و نادرستی عمل است. وی ما را به دقت در نقش و عملکردی که مفاهیم لذت و الم اخلاقی ایفا می‌کنند، رهنمون می‌کند. در نظر بتنام، «خوب» مرادف و مساوی با لذت است. به اعتقاد وی، تنها لذت است که خوب است و فقط درد و الم بد است. این دو ذاتاً خوب و ذاتاً بد هستند. از نظر وی، ما آدمیان هرگز نمی‌توانیم از سلطه و سیطره لذت و الم در حوزه تصمیم‌گیری‌های اخلاقی و حقوقی بگریزیم.^{۳۶} بنابراین، لذت برای بتنام مفهومی بسیار گسترده دارد. نزد بتنام، خوردن و رابطه جنسی تنها لذایذ و مهم‌ترین آنها نیستند. شنیدن موسیقی، خواندن کتاب، داشتن حس خوشایند هنگامی که به فقرا کمک می‌کنیم، رضایتی که در پی انجام وظایف و تکالیف به آدمی دست می‌دهد، تمامی این موارد، نوعی لذت در انسان پدید می‌آورند. سخن پایانی آنکه، افعال خود فی‌نفسه و ذاتاً نه خوب‌اند نه بد، بلکه ابزارهایی هستند برای کسب لذت و دوری از درد و رنج و آنچه فی‌حدّ نفسه و ذاتاً خوب یا بد است، همین لذت و درد است.^{۳۷}

بتنام و شادکامی چه کسانی؟

وی در بند ۴، در فصل اول از کتاب *مقدمه‌ای بر اخلاق و قانون‌گذاری* صراحتاً از منافع جامعه سخن گفته است. از نظر وی، جامعه کالبدی موهوم است.^{۳۸} اگر چنین باشد، سپس سخن گفتن از منافع جامعه به چه معنا خواهد بود؟ پاسخ وی این است که مراد از منافع جامعه، سر جمع منافع افرادی است که آن را تشکیل می‌دهند.^{۳۹}

پرسش مهم دیگری که باید بدان پرداخت، این است که اگر بتنام جامعه را کالبدی موهوم می‌داند، چرا بیشتر نوشته‌های وی درباره اصلاح و سازماندهی است؟ برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که علت اینکه وی جامعه و اصلاح آن را در کانون توجه قرار داده بود، آن است که وی به شدت متأثر از دیوید هیوم بوده است. هیوم بر آن اعتقاد بود که افزایش سر جمع خیر و خوبی جامعه، هدف اخلاق است. این پندار هیوم همان چیزی است که بتنام هرگز نخواست آن را زیر سوال ببرد.^{۴۰}

این توجیه، بتنام را متهم می‌کند که گویا کورکورانه و بی‌توجه از هیوم پیروی کرده است، در حالیکه، می‌توان برای این کار بتنام توجیه دیگری ارائه کرد؛ اینکه بتنام واژه

«جامعه» را به عنوان ابزاری زبانی به کار گرفته است تا منافع مجموعه افراد را تأمین نماید. موضع بنّام در تسّری اصل فایده به جامعه را «پیامدگرایی/نتیجه‌گرایی عام/عمومی» نامیده‌اند،^{۴۱} مفاد آن این است که، عملی اخلاقاً درست است که شادکامی کلی مردم را افزایش دهد. از نظر وی، اساساً کسی را می‌توان حامی اصل فایده دانست که لذات شخصی خود را در طول لذات جامعه ارزیابی و محاسبه کند.^{۴۲}

نظریه فایده‌گرایی جی. اس. میل

میل، اساس نظریه خویش را در رساله‌ای تحت عنوان «فایده‌گرایی» مطرح کرد. وی در فصل دو از رساله فایده‌گرایی، اصل فایده را بیان می‌کند: «اعمال درست‌اند به اندازه‌ای که موجب افزایش شادکامی می‌شوند و نادرست‌اند به اندازه‌ای که موجب تلخ‌کامی می‌شوند. منظور از «شادکامی» و «خوشبختی» لذت و فقدان آلم است. منظور از «تلخ‌کامی» و «ناخشنودی» آلم و محرومیت از لذت است».^{۴۳}

میل مدعی است، لذت و الم در مقام تصور بر تمام ارزش‌های دیگر تقدم و اولویت زمانی دارند. شخص لذت را به عنوان غایتی پیش از فضیلت یا پول یا قدرت یا شهرت طلب می‌کند تا به عنوان یک غایت مطلوب خواسته شوند. لذت و آلم شروط لازم برای طلب این امور هستند. کسانی که به فضیلت، تنها به خاطر فضیلت بودن علاقه‌مندند، آن را یا به دلیل آگاهی از اینکه یک لذت است، یا به خاطر آگاهی از اینکه، خود فقدان یک رنج محسوب می‌شود، می‌خواهند. شخص از اینکه واجد درجه‌ای از فضیلت است، لذت می‌برد و از اینکه فاقد درجات بالاتری از فضیلت نیست، از آن رنج می‌برد. چنانچه یکی از این دو حالت هیچ لذتی و دیگری هیچ آلمی به وی ندهد. وی فضیلت را دوست ندارد یا طلب نمی‌کند، یا آن را صرفاً به دلیل منافع دیگری می‌طلبد که به خودش یا به اشخاص مورد علاقه وی، می‌رسند.^{۴۴}

بعد کیفی میل در ارزیابی لذات و آلام

میل بُعد کیفی ارزیابی لذات را در پاسخ به ایرادی که بر اصل فایده وارد شد، مطرح کرد. مسئله کیفیت لذات، تمایزی است که میل را از استاد خویش، بنّام جدا می‌سازد. پیش از هر چیزی باید گفت: تمایزی که میل میان کیفیت و کمیت لذات قائل شد، موضوعی نو و جدید نیست. وی نیز تصدیق می‌کند که فایده‌گرایان تفاوت مذکور را پیوسته تشخیص داده و لذات عقلی را همواره ارج نهاده‌اند؛ زیرا این لذات باثبات، مطمئن و ارزشمندند.^{۴۵}

تمایز میان کمیت و کیفیت لذات به عنوان پاسخی به این ایراد مطرح شد که فایده‌گرایی «آموزه‌ای تنها شایسته خوک است»، پاسخ میل آن است که، «این ایراد از سوی اتهام زندگان به این نظریه مطرح می‌شود که طبیعت انسانی را با دیدی تحقیر آمیز توصیف می‌کنند؛ زیرا اتهام مذکور مستلزم این امر است که انسان‌ها مستعد هیچ لذتی، به جز لذتی که خوک مستعد آن است، نیستند».^{۴۶}

میل ادعا می‌کند که انسان‌ها دارای قابلیت‌هایی برتر و رشد یافته‌تر از امیال حیوانی می‌باشند. هنگامی که یک بار از استعدادهای خویش آگاه شوند، چیزی را که در برگیرنده سعادت‌شان نباشد، شادکامی قلمداد نمی‌کنند.^{۴۷} وی لذات حاصل از خرد و هوش، لذات حاصل از عواطف و لذات حاصل از تخیل را به عنوان شاهد ذکر می‌کند.^{۴۸} دلیل میل برای این ادعا، این است که فایده‌گرایان عموماً بر برتری این لذات به واسطه استمرار بیشتر آنها، سالم‌تر بودن، کم هزینه‌تر بودن و... تأکید می‌کنند. لذات جسمانی در مقایسه با این لذات، زودگذر و غالباً با آلام همراه می‌شوند. در واقع، میل با ارزیابی بتام موافق است، اما معتقد است که برخی لذات وجود دارند که مطلوب‌تر و با ارزش‌تر از لذات دیگر هستند.^{۴۹}

۲. ابن حزم و نظریه "طرد الهم"

هر چند ابن حزم را می‌توان فضیلت‌گرا دانست، اما بر این باور است که تمام انسان‌ها در همه افعالی که انجام می‌دهند، هدفی جز دور کردن غم و اندوه ندارند؛ «دور کردن غم و اندوه گرایشی است که از ابتدای آفرینش عالم تا انتهای آن بر همه امت‌ها حاکم بوده است».^{۵۰} هر غرض دیگری را برای افعال آدمیان فرض کنیم، کسانی هستند که آن را خوب نمی‌دانند. چنانکه غرض از افعال آدمیان را آخرت بدانیم، می‌توان کسانی را نشان داد که به آخرت باور ندارند. اگر هدف کسب خیر و امنیت و حق باشد، کسانی یافت می‌شوند که اهل شرف و این امور را نمی‌پذیرند. اگر غرض شهرت باشد، افرادی وجود دارند که به گمنامی تمایل داشته و از شهرت گریزانند. مال و ثروت نیز نمی‌تواند، هدف افعال آدمی باشد؛ زیرا پیامبران، زاهدان و فلاسفه نداشتن ثروت را ترجیح می‌دهند. لذات نیز اهداف افعال انسانی نیستند؛ چرا پیامبران، زاهدان و فلاسفه آن را مذموم می‌دانند. علم نیز نمی‌تواند غرض فعل انسان باشد؛ زیرا بیشتر مردم تمایلی به آن ندارند. اما در عالم همه افراد طالب «دور کردن غم و اندوه» هستند.^{۵۱}

سخنان ابن حزم تا اینجا بیانگر آن است که اموری چون عمل برای آخرت، علم، ثروت و لذات اهدافی عام نیستند؛ بدین معنا که اینها، تنها توجیه‌کنندهٔ افعال برخی آدمیان هستند. در حالی که مدعای ابن حزم این است که در تمام افعال، فقط یک انگیزه وجود دارد و آن دور کردن غم و اندوه است. از این رو، در ادامه می‌افزاید: در افعال مذکور نیز هدف فاعل، دور کردن غم و اندوه ناشی از ضد آن امور است. به عنوان مثال، طالب علم در پی آن است که غم و اندوه ناشی از جهل را از خود دور کند؛ طالب مال خواهان دور کردن غم و اندوه ناشی از فقر است.^{۵۲}

بنابراین، از نظر ابن حزم اموری مانند علم، لذت، ثروت و شهرت، هدف غایی و نهایی افعال انسان نیستند، بلکه خود برای آن مطلوبند که هدف دیگری را در پس خود محقق کنند و آن «دور کردن غم و اندوه است».

ابن حزم، بتنام و اپیکوریان

نظریهٔ «طرد الهم» را می‌توان نوعی «خودگرایی روان‌شناختی»^{۵۳} محسوب کرد که از جهاتی به خودگرایی روان‌شناختی جرمی بتنام (۱۸۳۲-۱۷۴۸) شباهت دارد.^{۵۴} همانطور که گذشت، بتنام آدمی را تحت سیطرهٔ دو نیروی حاکم می‌داند: درد و لذت. تحت سیطرهٔ این دو حاکم است که انسان تصمیم می‌گیرد چه کاری انجام دهد. این دو نیرو، بر تمام افعال ما حاکمند و تمام تلاش‌های ما برای رهایی از بند آنها به حاکمیت و تأیید آنها، منجر می‌شود.^{۵۵} بتنام بر دو عنصر لذت و رنج تکیه کرده است. در حالیکه، ابن حزم تنها احتراز از غم و اندوه را مدنظر قرار می‌دهد.

از سوی دیگر نظریهٔ «طرد الهم» با دیدگاه اپیکوریان قابل مقایسه است. اپیکور هدف اصلی فلسفه را کمک به کاستن ناخشنودی آدمیان می‌داند.^{۵۶} اپیکوریان خیر را لذت دانسته، اما، بر خلاف آنچه میان عامه شهرت دارد، با مبنا قرار دادن لذات آنی و فعلی موافق نبودند، از نظر آنها لذت امری عدمی است؛ یعنی نبود درد، و نبود درد نیز در واقع برای «رهایی از اضطراب خاطر» است. چنین تحلیلی از لذت، به دیدگاه ابن حزم بسیار نزدیک است. اما تفاوت در این است که ابن حزم تنها سابق و انگیزهٔ روان‌شناختی آدمیان را «طرد الهم» می‌داند، ولی اپیکوریان لذت - به معنای عدمی آن - را غایت افعال، و خیر محسوب می‌کنند.^{۵۷} به نظر نمی‌رسد، ابن حزم این اندیشه را از اپیکوریان اخذ کرده باشد، وی این اندیشه را نتیجهٔ اشراق الهی و تدبّر و تاملات عقلی خود می‌داند.^{۵۸}

نظریه طرد الهم ابن حزم و سازگاری با دیدگاه میل

جان استوارت میل، در پاسخ به این ایراد، که شادکامی نمی‌تواند هدف عقلانی زندگی و عمل بشری باشد؛ زیرا آن دست نیافتنی است و انسان‌ها می‌توانند بدون شادکامی رفتار کنند و نیز آن که چشم‌پوشی از شادکامی شرط لازم تمایل به فضایل است، خاطر نشان می‌کند: فایده صرفاً طلب شادکامی را در بر نمی‌گیرد، بلکه جلوگیری از تلخکامی و کاهش آن را نیز شامل می‌شود. بنابراین، نظریه فایده‌گرایی، علاوه بر شادکامی که می‌توان آن را جنبه ایجابی این نظریه دانست، به جنبه سلبی یعنی جلوگیری از تلخکامی و کاهش آن نیز اشاره دارد.^{۹۰} ابن حزم نیز در بیان دیدگاه خویش، بر این باور است که تمامی انسان‌ها در افعالی که انجام می‌دهند، هدفی جز دور کردن غم و اندوه ندارند. با توجه به این باور/ابن حزم، می‌توان نتیجه گرفت که وی به نوعی، دیدگاه فایده‌گرایانه سلبی را می‌پذیرد.

ابن حزم و راه‌هایی از غم و اندوه

انسان چگونه می‌تواند غم و اندوه را از خود دور کند؟ پاسخ/ابن حزم این است که، توجه به خدای تعالی با عمل برای آخرت می‌تواند غم و اندوه را از آدمیان بزدايد.^{۶۱} کسب ثروت، علم و سایر خواسته‌های دنیوی نمی‌توانند زایل‌کننده غم و اندوه باشند؛ زیرا کسب آنها با عوارضی همراه است و این موانع سبب می‌شوند آدمی به آنها دست نیابد، یا آن مقدار از ثروت و علم و سایر آمال دنیوی به دست آمده از دست برود، به این امور، باید ترس از رقیبان و طعنه و دست‌درازی حسودان را نیز افزود. تنها عمل برای آخرت است که فاقد عیوب مذکور است. و حقیقتاً غم و اندوه را از بین می‌برد. کسی که فعلی را برای آخرت انجام می‌دهد، اگر دچار امری ناخوشایند شود، نه تنها غمگین نشده که شادمان نیز می‌شود؛ زیرا امید او به چیزی است که بدان نایل خواهد شد. و اگر مانعی او را باز دارد، اندوهگین نمی‌گردد؛ زیرا به خاطر آن او را سرزنش نخواهند کرد.^{۶۱}

آمال دنیوی، حتی در صورتی که آدمی به آنها نایل آید، سرنوشتی جز جدایی ندارند؛ زیرا یا آنها از تو جدا خواهند شد، یا تو از آنها جدا خواهی شد. تنها عمل برای آخرت، که در هر صورت شادمانی به ارمغان خواهد آورد، این شادمانی هم در دنیا و هم در آخرت است: در دنیا بدین صورت شادمانی را به تو اعطا می‌کند که از آنچه مردمان بدان غمگین می‌شوند، کمتر غمگین می‌شوی. در نتیجه، در چشم دوست و دشمن بزرگ می‌گردی. اما در آخرت، با بهشت شادمانی را بر تو ارزانی می‌دارد.^{۶۲}

اصل منفعت و زیان

ابن حزم در کتاب *الاخلاق و السیر*، بارها بر اصل منفعت و زیان تکیه کرده است، عبارت‌های «لأفائدة فيه»، «لا منفعة فيه» و عبارت‌هایی مشابه آنها، که حاکی از توجه او به این امر است به وفور به چشم می‌خورد. همانطور که گذشت، فایده‌گرایی وی معطوف به دنیا و آخرت است، به عنوان مثال، در ترغیب به «علم» با تأکید بر فواید آن، اموری را که پادشاهان ناکارآمد بدان می‌پردازند از جمله شطرنج، نرد، گوش سپاری به آواز خوانندگان، دواندن چارپایان در پی صید و سایر کارهای زاید را سبب ضرر و زیان در دنیا و آخرت دانسته، معتقد است: این‌گونه افعال فایده‌ای ندارند.^{۶۳} در آنجا که می‌خواهد راهی برای معالجه عُجْب نشان دهد، می‌گوید این چیزی که تو به خاطر آن دچار عجب شده‌ای، به هیچ وجه برای تو - نه در دنیا و نه در آخرت - فایده‌ای ندارد.^{۶۴} فایده‌گرایی وی را از این جهت که فایده دنیوی و اخروی را در نظر می‌گیرد، می‌توان نوعی فایده‌گرایی آرمان خواهانه دانست. از لحاظ گستره و شمول، منفعت مورد نظر وی، منفعت خود و دیگران است. بنابراین، هر چند او، آن چنان که در طرح نظریه «طرد الهم» بیان شد، به نوعی خودگروی روان‌شناختی قائل است. ولی به خودگروی اخلاقی قایل نیست.

همچنین ابن حزم قائل به نوعی اخلاق مبتنی بر فضیلت است. حال پرسش این است که آیا اخلاق مبتنی بر فضیلت و فایده‌گرایی، قابل جمع هستند یا نه؟ جیمز ریچلز در تبیین این مسئله که چرا فضایل اهمیت دارند، از قول ارسطو بیان می‌کند که چون فضایل، زندگی انسان را بهبود می‌بخشند، مهم هستند.^{۶۵} بر اساس این تبیین، می‌توان چنین نتیجه گرفت که فضایل نیز مستلزم نوعی فایده هستند، پس غیرقابل جمع با یکدیگر نبوده و می‌توان به نحوی فضیلت را به فایده و منفعت ارجاع داد.

ابن حزم، فایده‌گرایی الاهیاتی در تقابل با فایده‌گرایی ضد دینی کلاسیک

همان‌طور که گذشت، فایده‌گرایی عمدتاً صبغه و پیشینه ضد دینی و سکولار داشته است. هر چند فیلسوفانی چون ویلیام پیللی و چند تن دیگر از متکلمان پیش از بتنام، ادعای ارائه نظریه اخلاقی مبتنی بر اصل فایده و در سازگاری با دین مسیحی و آموزه‌های دینی و وحیانی داشتند، اما برداشت لذت‌گرایانه‌ای که در فایده‌گرایی، به خصوص بتنام و میل به اوج می‌رسد، و نادیده گرفتن آموزه‌های اساسی دینی، در تعیین و تبیین صواب و خطا،

ارزش و الزام اخلاقی و حاکمیت مطلقه بخشیدن به اصل فایده، موجب تقابل نظام‌های فایده‌گرا با دین و اخلاق دینی شده است.

در دیدگاه فایده‌گرایانه/ابن حزم، چون بر توجه به خداوند با عمل برای آخرت تکیه شده است و نیز وی این امر را تنها ابزار برای زدودن درد و رنج، و تعیین کننده عمل درست می‌داند، می‌توان/ابن حزم را با این رویکرد الاهیاتی از اصل فایده، در جرگه فایده‌گرایان الاهیاتی دانست. هر چند فایده‌گروی در شکل کلاسیک، در تقابل با اندیشه دینی به نظر می‌رسد، اما پیشینه تاریخی آن و نیز اندیشه‌های/ابن حزم نشان می‌دهد که این امر، لازمه غیرقابل انفکاک این نظریه نیست. می‌توان تقریرهای الاهیاتی نیز از آن ارایه داد و فایده را به معنای رضای الاهی یا تقرب به خداوند دانست. چنین تقریری را می‌توان «فایده‌گرایی الاهیاتی آرمان خواهانه» نامگذاری کرد.

وحدت‌گرایی ابن حزم و فایده‌گرایی کلاسیک

فایده‌گرایی کلاسیک در ناحیه الزام اخلاقی وحدت‌گراست؛ به این معنی که تنها الزام اخلاقی و وظیفه اصلی هر فردی را افزایش دادن، فایده و شادکامی همگانی و یا در یک رویکرد سلبی، صرفاً کاهش دادن درد و رنج و میزان شرور می‌داند و تمامی اصول و الزامات دیگر اخلاقی از این الزام و اصل محوری (اصل فایده) مشتق و استنتاج می‌شوند. ابن حزم نیز تنها راه برای زدودن غم و اندوه را توجه به خداوند به وسیله عمل برای آخرت می‌داند:

هنگامی که این آگاهی متعالی (آگاهی از نظریه طرد الهم) در جان و روح من جای گرفت، این راز عجیب بر من آشکار شد و خداوند تعالی با این گنج بزرگ اندیشه من را منور فرمود: در پی آن شدم که حقیقتاً چگونه و از چه راهی می‌توان به زدودن غم و اندوه نایل شد. همان مطلوب نفیسی که همه آدمیان، جاهل و عالم آنها و درست‌کار و بدکار آنها، برای رسیدن به آن در سعی و تلاش‌اند. هیچ راهی نیافتم جز توجه به خداوند عزیز و بلند مرتبه به وسیله عمل کردن برای آخرت.^{۶۶}

بنابراین، می‌توان/ابن حزم را مانند فایده‌گرایان کلاسیک در ناحیه ارزش و الزام اخلاقی وحدت‌گرا دانست. بسیاری از فایده‌گرایان متأخر در قرن بیستم و یکم، از این موضع وحدت انگارانه دست کشیده و علاوه بر لذت، اموری همچون معرفت، زیبایی، استحکام شخصیت و روابط محبت‌آمیز را نیز دارای ارزش ذاتی دانستند. این موضع کثرت‌گرایانه غیر لذت‌گرایانه^{۶۷} را در اوایل قرن بیستم، فایده‌گروی آرمان خواهانه می‌نامیدند.

نتیجه‌گیری

آموزه فایده‌گرایی با دو جنبه‌الاهیاتی و سکولار ترویج یافت. یکی از کسانی که در جهان اسلام نیز می‌توان رگ‌هایی از دیدگاه فایده‌گرایانه را در آرای اخلاقی وی جست، ابن حزم اندلسی است. ابن حزم نیز مانند بسیاری از کسانی که ریشه‌هایی از فایده‌گرایی در آرای اخلاقی و فلسفی آنها یافت می‌شود، نتوانسته یا نخواسته این دیدگاه را به عنوان مکتبی نظام‌مند در حوزه فلسفه اخلاق پرورش دهد. در بررسی دیدگاه ابن حزم، می‌توان تنها ریشه‌هایی از فایده‌گرایی خام را یافت. این امر نشان از گرایش فیلسوفان اخلاق مسلمان به این دیدگاه دارد. اینکه چرا فایده‌باوری به شکلی نظام‌مند در جهان اسلام بسط و گسترش نیافت، مستلزم پژوهشی دیگر است. اما به عنوان یک حدس تاریخی شاید بتوان گفت: به علت قدرتمند بودن مکتب اخلاق فضیلت - متأثر از آرای افلاطون و ارسطو - و آموزه‌های قرآنی، که بر شاکله و نقش آن در رفتار آدمی تأکید داشت، نظریه‌های غیرفضیلت‌گرایانه در حاشیه قرار گرفتند.

ابن حزم و بنتام و تاحدودی جان استوارت میل را در جانب ارزش اخلاقی می‌توان وحدت‌گرا دانست. به عبارت دیگر، آنها هم در جانب ارزش و هم در جانب وظیفه و الزام اخلاقی وحدت‌گرا هستند؛ با این تفاوت که بنتام و میل تنها ارزش الزام اخلاقی ذاتی و اصلی را ایجاد لذت و ارتقای سطح و سر جمع لذت می‌داند. به این ترتیب، عمل اخلاقی و الزامی و خوب در نظر آنها، عملی است که بیشترین لذت در مقایسه با دیگر اعمال بدیل به بار آورد. اما ابن حزم صرفاً زدودن غم و اندوه با توسل به توجه خداوند با عمل برای آخرت را مد نظر دارد. با وجود این، می‌توان گفت خود این امر، یعنی تلاش برای طرد الهم برای رسیدن به سعادت اخروی، در نهایت با وجود تمام سختی‌ها، به شادکامی یا نوعی لذت متعالی می‌انجامد.

نقطه اشتراک ابن حزم با فایده‌باوران کلاسیک، این است که وی به نوعی فایده‌باور و در تفسیر فایده وحدت‌گرا است، اما نقطه افتراق آنها این است که فایده‌باوری کلاسیک دنیوی و سکولار است و فایده را صرفاً امری لذت‌آفرین از نوع دنیوی آن تلقی می‌کند. در حالی که، ابن حزم فایده دنیوی و اخروی را در نظر دارد و به جنبه اخروی آن تأکید بیشتری می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

1. Utilitarianism.
2. West. Henry R, Mill's utilitarianism A Reader's Guide, p 1.
۳. لارنس بکر، مجموعه مقالات فلسفه اخلاق (ترجمه)، ص ۴۸.
- 4 Jeremy Bentham.
- 5 Classic Utilitarianism.
- 6 G.E.Moore.
- 7 Hasting Rashdall.
- 8 Ideal Utilitarianists
۹. فیلیپ پی واینر، فرهنگ تاریخ اندیشه‌ها (مطالعاتی درباره گزیده‌ای از اندیشه‌های اساسی) (ترجمه)، ص ۱۹۴۰.
10. Motzu.
11. Geoffrey Scarre, Utilitarianism,p28.
۱۲. فایده‌گرایی با نظریات فیلسوفان فرانسوی همچون هلوسیوس و فیلسوفان اسکاتلندی به نام‌های «هاچسن»، «هیوم»، «آدام اسمیت» و «گادوین» آغاز می‌شود و در نوشته‌های اصلاح‌گر اجتماعی انگلیسی به نام «جرمی بنتام» و «جان استورات میل» به سطح کلاسیک خودش می‌رسد. آنها نیاکان غیر دینی و سکولار انسان‌گرایان دنیوی قرن بیستم بودند. در عین حال کسانی چون، آبراهام تاکر، جان‌گی، ویلیام پالی و جوزف پرستلی برداشت‌های الهیاتی را به فایده‌گرایی تزریق کردند و می‌توان آنها را فایده‌گرایان الهیاتی دانست. فایده‌گرایی با توجه به اشکالات بسیاری که بر آن وارد شده و نیز با وجود اشکال مختلف آن همچنان به عنوان یک اصل هنجاری و حتی توصیفی و نیز یک اصل تبیینی مورد توجه بسیاری از اندیشمندان و فیلسوفان اخلاق معاصر چون ریچارد مروین هر، پیترو سینگر قرار دارد.
۱۳. علی بن احمد ابن حزم اندلسی، الفصل فی الملل و الأهواء و النحل (کتاب)، ج ۱، ص ۹۸-۹۹.
14. John Gay.
15. William Paley.
16. Abraham Tucker.
17. Religous Utilitarianism.
18. Hasting,2003:559
19. The Light Of Nature Pursued.
۲۰. فردریک کاپلستون، تاریخ فلسفه (از بنتام تا راسل) ترجمه، ص ۲۱۰.
۲۱. حسین اترک، «سودگرایی اخلاقی، فلسفه، کلام و عرفان»، نقد و نظر، ش ۳۷ و ۳۸، ص ۲۶۸.
22. Anticlerical.
23. James Mill.
24. Claude Adrien Helvetius.
25. Francis Hutcheson.
26. David Hume.
27. William Godwin.
28. Fragment Of Government.
29. Mary Warnock (Editor), Bentham, utilitarianism and on Liberty, Blackwell,p5.
30. ibid,p16.
31. Tendence.
32. Urmson.
33. Roger Crisp.
34. Roger Crisp, Mill on utilitarianism, pp 103-104.
35. Mary Warnock (Editor), Bentham, utilitarianism and on Liberty, Blackwell,p17.
36. Frederick Rosen, Classical utilitarianism from Hume To mil,p50.
۳۷. مایکل پالمر، مسائل اخلاقی (متن آموزشی فلسفه اخلاق) (ترجمه)، ص ۱۳۴.
38. Fictitious boby.

39. Mary Warnock (Editor), Bentham, utilitarianism and on Liberty, Blackwell,p18.
40 Postema, Gerald .J , Benthams utilitarianism, in The Blackwell , p28.
41 Ibid.
42 Mary Warnock (Editor), Bentham, utilitarianism and on Liberty, Blackwell,p19.
43. Ibid, p. 186.
44. Henry R West, Mill's utilitarianism A Reader's Guide, p 81.
۴۵. نیکولاس کاپالدی، مکتب فایده‌گرایی بنتام و میل، ص ۱۰۴.
۴۶. جان استوارت میل، فایده‌گرایی (ترجمه)، ص ۵۸.
۴۷. همان، ص ۵۹.
۴۸. همان، ص ۵۸.
۴۹. همان.
۵۰. علی بن احمد ابن حزم اندلسی، الاخلاق و السیر (کتاب)، ص ۱۴.
۵۱. همان.
۵۲. همان، ص ۱۵-۱۴.
53. Lawrence Hinman, Ethics, v2 ,p139.
54. Mary Warnock (Editor), Bentham, utilitarianism and on Liberty, Blackwell,p17.
55. Lawrence Hinman, Ethics, v2,p 474.
۵۶. لارنس سی، بکر، تاریخ فلسفه اخلاق غرب (ترجمه)، ج اول، ص ۵۰-۴۹.
۵۷. علی بن احمد ابن حزم اندلسی، الاخلاق و السیر (کتاب)، ص ۱۴-۱۳.
58 Henry R West, Mill's utilitarianism A Reader's Guide,p 53.
۵۹. علی بن احمد ابن حزم اندلسی، الاخلاق و السیر (کتاب)، ص ۱۵-۱۴.
۶۰. همان، ص ۱۵.
۶۱. همان، ص ۱۳.
۶۲. همان، ص ۲۱.
۶۳. همان، ص ۶۹.
۶۴. همان، ص ۸۹.
65. James Rachels, The Elements of Moral Philosophy,p 184-185.
۶۶. علی بن احمد ابن حزم اندلسی، الاخلاق و السیر (کتاب)، ص ۱۴.
67. Non-hedonistic.

منابع

- ابن حزم اندلسی، علی بن احمد، *الفصل فی الملل و الأهواء و النحل*، تحقیق الدكتور یوسف البقاعی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، الطبعة الأول، ۲۰۰۲/۱۴۲۲.
- ابن حزم اندلسی، علی بن احمد، *الاخلاق و السیر*، بیروت، الجتته الدولیه الترجمة الروائع، ۱۹۶۱.
- اترک، حسین، «سودگرای اخلاقی، فلسفه، کلام و عرفان»، *نقد و نظر*، ش ۳۷ و ۳۸، ۱۳۸۴.
- بکر، لارنس سی، *تاریخ فلسفه اخلاق غرب*، ترجمه گروهی از مترجمان، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۸.
- پالمر، مایکل، *مسائل اخلاقی* (متن آموزشی فلسفه اخلاق)، ترجمه علی رضا آل بویه، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.
- کاپالدی، نیکولاس، *مکتب فایده‌گرایی بنتام و میل*، ترجمه محمد بقایی (ماکان)، سازمان چاپ و انتشارات اقبال، ۱۳۸۳.
- کاپلستون، فردریک، *تاریخ فلسفه* (از بنتام تا راسل)، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، تهران، سروش، ۱۳۷۰.
- بکر، لارنس، *مجموعه مقالات فلسفه اخلاق*، ترجمه گروهی از مترجمان، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۰.
- میل، جان استوارت، *فایده‌گرایی*، ترجمه مرتضی مردیها، تهران، نی، ۱۳۸۸.
- واینر، فیلیپ پی، *فرهنگ تاریخ اندیشه‌ها* (مطالعاتی درباره‌ی گزیده‌ای از اندیشه‌های اساسی)، ترجمه گروهی از مترجمان، معاد، ۱۳۸۵.
- West, Henry R, (Editor), *The Blackwell guide to mill's utilitarianism*, by First published by Blackwell, 2006.
- Scarre, Geoffrey, *Utilitarianism*, First published by Routledge, 1996.
- Hinman, Lawrence, *Ethics*, Canada: Thomson, Third edition, 2003.
- Warnock, Mary (Editor), *Bentham, utilitarianism and on Liberty*, Blackwell, 2003.
- West, Henry R, *Mill's utilitarianism A Reader's Guide*, Continuum, 2007.
- Rachels, James, *The Elements of Moral Philosophy*, New York: Mc Graw- Hill, 3rd edition, 1999.
- Rosen, Frederick, *Classical utilitarianism from Hume To mill*, First published by rout ledge, 2003.
- Roger Crisp, *Mill on utilitarianism*, Routledge, 1997